



می پوشاند. هر تخم در حدود ۶/۵ سانتیمتر طول و ۴ سانتیمتر عرض دارد. تمساح این حفره را معمولاً هم سطح بالاترین میزان قابل پیش بینی آب رودخانه حفر می کند. پس از تخم گذاری، کروکودیل ماده اغلب اوقات خود را برای حفاظت از تخم ها در اطراف این حفره می گذارند. پس از حدود ۶۰ روز که زمان از تخم بیرون آمدن نوزادان است، مادر برای این که احتمالاً شن های روی تخم ها برای آن ها سخت و سنگین نباشد به کمک آن ها می شتابد. لازم به توضیح است که این گونه تنها خزنده ایرانی است که تا این اندازه از نوزادان خود مراقبت به عمل می آورد. نوزادان با طولی برابر ۲۰ تا ۲۵ سانتیمتر به دنیا می آیند. آن ها به رنگ زیتونی و با نوارهای تیره بر روی دمشان و نقاط تیره رنگ در طول دو طرف بدنشان دیده می شوند که در حین رشد به تدریج این علائم محو می شود.

کروکودیل های مسن تر به رنگ قهوه ای روشن با علائم تیره پراکنده ای بر بدنشان هستند. در آرواره بالا ۱۹ دندان و در آرواره پایین ۱۵ دندان دارند (در مجموع ۶۸ عدد می باشد). چهارمین دندان آرواره پایین بزرگ تر از بقیه است، که در یک حفره در بالای فک جای می گیرد. ساختمان دندان گاندو برای جویدن مناسب نیست، اما شیره گوارشی آن ها اسید فراوانی دارد که می تواند در عرض چند دقیقه تقریباً هر چیزی را آب

نزدیک تر بروم و پوست زبر بزرگ تر نشان را که حدود ۳/۵ متر طول دارد لمس کنیم. واکنشی نشان نمی دهد. من هم جسورتر می شوم و دمش را نوازش می کنم. می دانم که یک ضربه دمش می تواند بسیار خطرناک باشد و از آن بدتر برگشتن و حمله ناگهانی اش و لی اطمینان خاصی دارم که هیچکدامشان این کار را نمی کنند.

نمی دانم چه مدت آن جا نشستم، بین تمساح ها با سرو رویی آلوده به خاک و گل. عکس گرفتم و بعضی ها را نوازش کردم. برایشان حرف زدم و اشکشان را دیدم. چندتای دیگر هم از آب بیرون می آیند، حالت تهاج می ندارند. اکنون اطرافم را تمساح ها گرفته اند. فرار از این جزیره کوچک به معضلی بزرگ تبدیل شده. وقت رفتن است. اگر دیرتر بجنبم شاید هر اتفاقی بیفتد. آرام آرام به سمت آب پایین می روم. در این بین مجبورم پایم را از روی برخی تمساح ها بلند کنم و خوشبختانه آن ها عکس العملی نشان نمی دهند.

باز که می گردم حسینی از سرو و وضع می فهمد کجا بوده ام. از او درباره اقداماتی که در این مرکز انجام می شود می پرسم. می گوید: این جا تمساح هایی که ماموران ما از خشکسالی یا خانه های روستاییان نجات داده اند نگهداری می کنیم و بر روی آن ها تحقیق انجام می دهیم. این تحقیقات ممکن است با همکاری دانشگاه های کشور نیز در قالب اعزام محقق و دانشجوی باشد. این جا تمساح ها زندگی کاملی دارند و لی بودجه ما به شدت محدود است و نمی توانیم این مرکز را در حد پتانسیل واقعی اش ارتقا دهیم.

وی توضیح می دهد: تمساح ایرانی معمولاً بین ۵ تا ۱۰ سالگی بالغ می شود، اما تعداد معدودی از آن ها به سن بلوغ می رسند. پرندگان، شغال ها و روباه ها بزرگ ترین آفات پشه های تمساح هستند. در شروع فصل بارندگی، تمساح ماده هنگام شب در حاشیه شنی رودخانه گودالی به عمق تقریبی نیم متر حفر می کند و در آن ۲۰ تا ۶۰ تخم می گذارد و روی آن را با شن

تحقیقات و تکثیر و پرورش تمساح پوزه کوتاه مردابی در شرایط اسارت در سال ۱۳۸۹ راه اندازی شد. آن گونه که کارکنان ایستگاه می گویند، در حال حاضر حدود ۴۰ تمساح پوزه کوتاه مردابی بالغ در سایت ریگوش در فضایی طبیعی به مساحت ۱۰ هکتار نگهداری می شوند و به صورت دستی به وسیله مرغ زنده تغذیه می شوند.

وارد ایستگاه که می شویم، پس از عبور از یک محوطه باز که ساختمان های اداری و سرایداری در آن قرار دارد به محوطه فنس کشی شده ای می رسم که بر که آب بزرگی در آن احداث شده و یک نیزار انبوه که ۲ کارگر مشغول درو کردن نی ها هستند. در نگاه اول تمساحی دیده نمی شود ولی پس از مدتی می توانم روی تپه خاکی وسط بر که چند تمساح را ببینم. به من توصیه می شود که تنهایی جایی نروم و کنار کارگران و پرسنل مرکز بمانم ولی نمی توانم بیکار بایستم و کاری نکنم. در حاشیه بر که به راه می افتم. کسی هم مانع نمی شود. به دقت و با احتیاط جلوی روم و لای نی ها را نگاه می کنم. خبری نیست، باز هم دورتر می روم تا آن که در سایه نیزار چند تمساح ۱ تا ۲ متری را می بینم که آر میده اند.

بدون آن که آرامششان را بر هم بزنم از آن ها عکس می گیرم و رد می شوم. ولی این کافی نیست. دلم می خواهد به مرکز بر که بروم یعنی جایی که اغلب تمساح ها آن جا هستند. استخاره جایز نیست باز باید «پاچه ها را بالا زد»...

دیگر خوب یاد گرفته ام چگونه از میان نی ها بگذرم و این که نگران زیر پایم نباشم. وقتی به تپه کوچک وسط بر که می رسم حدود ۲۰ تمساح را می بینم که کنار هم زیر آفتاب لم داده اند ولی بلافاصله نیمی از آن ها می گریزند. مثل آن دفعه، آرام می نشینم و شروع می کنم به نجوایی آرام مثل لالایی برای آن ها که مانده اند. پرسنل مرکز بر ایم گفته اند که این تمساح ها چون در ارتباط مداوم با انسان هستند آرام ترند ولی هنوز غیر قابل اطمینان. این حرفشان به من این جسارت را می دهد تا

وقتی به تپه کوچک وسط بر که می رسم حدود ۲۰ تمساح را می بینم که کنار هم زیر آفتاب لم داده اند ولی بلافاصله نیمی از آن ها می گریزند.

